

در سوره های مستمگرانه و شور و خنده اش خلق کردند.

اسرار زبا در تراژدی خطاب به عقل متذکر می شود که من تو را با هر دیگر خلق کردم اما این خلق از پس نفی برمی آید رشد می کند شکل می یابد و در اثر هنری جایگزین می شود این در نوع خود بزرگترین تأیید و در عین حال نفی عقل است درون ماندگرا ترین مقاومت در برابر مستمگر ی های عقلیت.

اسرار زیبا گفتاری فلسفی دارد که نسبت به گفتار فلسفی مسلط عقلیت بی علاقه است محور این بی ملاکتی یا عدم تماثل، خلق استه چیز می که آن را توأمان نفی - آفرینش می نامیم اسرار زیبا از این حیث کاملاً سیاسی است و مفاهیم سیاسی - فلسفی خود ویژه ای دارد. گوش و نگو که چمدان گمشده والتر بنیامین، خواست روانی پاورز، چید منلاشی شده پاز و تینی، سقوط آزاد دلووز، شمشیر سائورای میشل و - هسگی تأییدی است بر نفی - خلق منطبق نکاتیو به اسرار زیبا.

ایمن کنش ها که در بالا ذکر شد به همان میزان که مفهومی و انتزاعی اند به همان اندازه نیز عینی و سیاسی اند این کنش ها شاید در وهله اول تعدادی از یک خوددختری امرای باشند اما بحث بر سر این است که همین کنش ها سرشت خوددختم اسرار زیبا یعنی نفی و خلق توأمان را بازتاب می دهند.

اینها جزئیاتی هستند که بنا و آثار و شکوه بسیار تیرمختی عقلیت را به رخ می کشند تا نشان دهند این تیرمختی تا چه اندازه در فن، گوشت و روح عقلیت ریشه دوانده است.

هنرمند یا فعال اسرار زیبا به همان می آورد (تذکار) و تولید می کند (خلق) - نفی، این اتصال اسرار زیبا با هر کشیدن نفس اسرار زیبا عقلیت را در دام خودش گرفتار می کند تا بتواند حدود و نفوس مستمگری های آن را پدید آورد.

کمدی نیز در جهت نمایان ساختن شورمختی عقل را از طریق کنش هیستریک فقهه، دست به فتنه می زند. اگر در تراژدی غم این شورمختی را به پاز می بینیم، در کمدی فقهه، شورمختی را به نظاره می بینیم و در نهایت این اسرار زیباست که از کنار عقل نکان نمی خورد و به عنوان منتقد پیگیر و رزمجوی عقل از گرد کسار نمی گیرد، به قول پلاتو، در قلمه های عاشقانه عاشق هیچ گاه خسته نمی شود.

نوشتن یک قلمه شعر، ساختن یک فیلم، کوکانه ناخشن یک قلمه موسیقی، ساختن یک مجسمه کوچک، رنگ پاشیدن روی بوم، نوشتن یک قلمه دراز و ساختن یک مقاله پر نفس ادبی، همه و همه حاکمی از خستگی نا پذیر ی های اتصال اسرار زیباست که در کمال تعجب هیچ گاه از دام ها و مستمگری های عقلیت خسته نمی شود بلکه توانی دوباره می یابد تا او را افشا کند اسرار زیبا تک چهره یک عاشق رزمجو را با خود و در خود پدک می کشد.

نتیجه این مقاله در این نوعی بازگویی پدید آمده است یعنی وجهی از تفاوت و تکرار را خلق و در عین حال نفی کرده است این مقاله حاصل انتشار و تکثیر مقاومت درون اسرار زیبا در برابر مستمگر ی های عقل زیباست از عقل گریزی نیست چرا که به رغم مستمگر ی های ما را به افشا و زیبایی اش فرا می خواند. من در این مقاله به دنبال صورت بندی ای می رومم که بتوانم شدت وحدت اسرار زیبا را در روبرویی با خود و نور آیدنوازی عقلیت نشان دهم و متذکر می شوم این مقاله بدون خواندن متن مستمگرانه و در عین حال زیبای اماتورشل کانت (خاصه انتقد توه حکم) او) میسر نبوده است در اینجا باید کانت مستمگر و کانت زیبا را توأمان در نظر گرفت و گر نه به هیچ وجه کانت فهم پذیر نخواهد شد این مقاله از پیشخور گفتار فلسفی کانتی بیرون چیده و در جهت گیری های نکاتیو آن جا خوش کرده است اگر بنا بر همان حکم «جایی که زیبایی هسته تسبیح هم هست» حرکت کنیم چهره واتوسی (دو کلمه) کانت را در می بینیم.

اگر به عنوان استاد دانشگاه بوالونهای ایتالیا، امروزه به خاطر نظر پانزده ساله نشانه شناسی تاویل ادبی و زیبایی شناسی لرون و سغلی پیش از آنکه به داستان نویسی و ژورنالیزم و فاستلو معتقد است در جهان چیزی وجود ندارد که به خودی خود نشانه نباشد اسرار زیبا در سال ۱۹۸۸ با انتشار کتابش به نام «عالم گل سرخ» که در سراسر دنیا بیش از ۱۰ میلیون نسخه فروش داشت به عنوان نویسنده های مشهور و موفق شناخته شد.

از دیگر آثار او در عرصه نظری و علمی نیز می توان به اینها اشاره کرد: نشانه شناسی و فلسفه زبان، نقی خواننده هنر و زیبایی در سده های میانه، مرزهای تاویل، شش گام در جنگل داستان، در باره زیبایی و در باره ادبیات، اگر در مقاله ای که در پی می آید با نگاهی نشانه شناسی به مفهوم خدایان پرداختیم.

امبر تو آکو

با کسبون به زمان بحرانی از سالهای منازعه و تصویرهای گوناگون می شویم. گفته پیش از این هم همه فرشته ها محمولات خود را با سوار بر سرخ تر از پیش می فرستند معانی چندم گریمس « برای کودکان یک چیز برتر نیست بعد به سال موی دیگر فریبی با ست نیکلای اولیه ندارد کسی که با اینهمه یک معجزه همین برای ۲۰۰۰ نفر غیر تبارک دید و شرايط اردوچ آنها را فراهم آورد به این ترکیب زندگی آنها را از اتکان به نام خوددخوشی بیفت داد.

افسان ها در واقع حیرت انگیز دین و ایمان اند به کمال روحی سروشی و سوار دشواری خواهد بود که نمی پیروای آن می آید و تو چیزی که درین بر احترام او می گذارد هم چنان به زندگی خود ادامه دهد این را می توان در زندگی دانشمندان پیر و شکسته تحصیلاتی نیز مشاهده کرد.

آنها را این عقیده پای می نشاند که کار علمی شان توسط جهان در امتداد جاهای توأمان را پیش است. آن هم در حالی که هنگام شب در جلسه انتظار ارواح شمر کند می جسد - در ناروح مردگان خود زائر می شوند. حتی امروزه من به دانشمندی بر می خیزم که در پیرون ژاپل که تخصص خود کمال خرافاتی هستند آن هم به حدی که گاهی به نظر می رسد سر و پا برای آنکه کسی به او اعتماد کند هم می تواند به این باورهای پیکسوف باشد هم کاش می شود.

دیگر آنکه ما می بینیم که بسیاری خود و دیگران را با دل و جوی برای زندگی بیایم پول و یک وسیله است و یک بازی نیست اما افسان ها هم به لورن ها از منندیمو هم به پیران های منی همین قدر که به غایت ما به منندیمو هم با هم به شکلات محتاجیم مضطرب بزرگی که کمالی ما را آن موجه است. سندی بافتن بر می است بر روی پدیم متن این واقعت که هر یک از ما را از خود مرده در پول کارهای بسیاری ساخته است این وجود پول می تواند کاری کند که او واقعت بیرون خود را به پولت بدهد.

این نقش و وظیفه دین است که این موجه سازی را به انجام می رساند. اینها را می توانیم از غایت خود را به دست نماند اسرار زیبا را از آن می بیند بر او وجود خود دلانی می بیند و آنها را با پیران گشتی دهفته ما را روبرو می آید با پیران اخیرا که رنگت شمشیرش انبساطی شکل یافته می آید به پادشاه «ایمان» در کلیسای مسیحی که کانتی یافتند.

اینطور می آید از قبیل کمونیسم که به عده جایگزین شدن با دین را می دانند، در این عده خود به طور کامل ناکام شدند به این ترتیب ما هنوز هم در جستجوی چیزی هستیم که بتواند هر یک از ما را با چارهای پذیر بودن پرگشتی دهد.

به جی کسی چه استون (G.K Chesterton) این لفظ نظر نیست نه خدمت که خدمتگی که شخصی به اعتقاد به خداوند حاکم می دهد این گونه به است که او دیگر به هیچ چیز ایمان ندارد بلکه او به هر چیزی جز خدا «ایمان» دارد «این سخن چرستون است. هر گ که خدای واحد را در هر جنای مسیحی، با تولد او بر روی زمینهای مختلف همزمانی شد آنها همچون اکثری های هر جزیره کلیسای مسیحی چندین و چند تکرار شدند از فرقه ها و آیین های لامذهب چیده و فریب گرفته تا خرافات احفاده شیشه مسیحی پررنگ خلوتی.



امبر تو آکو

خدای آفان

ارجاعی نشانه شناختی به مفهوم خدا

آنها هستند امروز اگر قلم سهامی کتابت روشی های را که به علوم حقیقه اختصاصی داده شد مانند جستجو کننده نه تنها به مجله های منوط به واجن های سری مسیحی (Templar) و فرقه های سری مسیحی سده های ۱۷ و ۱۸ از روسی ها و روشن ها و لندی های شبه کلابی (فلسفه بر خیز متفکران، پیوندی ملهم از تئوریت ابوتالتر که در او به جی بلکه همچون هنرهای مذهبی بودی مانند تشریفات پیر صیون بر خواهد خورد. من به عنوان یک کاتولیک بزرگ، شدم و با اینکه دیگر کلیسا را کنار گذاشت اما لاجرم ماسونری را بطریق رسم سهامه سلفه قطعات مانت حوله مسیح را بر روی تپه پسری نام سرهم خواهم کرد در میان گویه که پدرم آن را برای من ترست می کرد، من برای سنت های مسیحی احترام می عشق فطال سهامه سبک های که به عنوان سبک و اغلب کنار آمدن با امر که هنوز هم معنای پیشتری دارد نام جایگزین های هر لایحی شان.

تا قهر مسلمان کاتولیک از دین بر گشته چو پس چر تصویر می از هنر مند به عنوان سری ای جوان «موانع» که می گفت «این دیگر چه جور وهایی است که یک پوچی کنل گذاشته شود که منطقی و روش است و به پوچی دیگری ایدالی آورده می شود که نامتقول و نامعوم است که پیش دینی که سمس حسمت کم - یک پوچی روش و منطقی است اما جشن تجاری آن حتی این همین است.

پس از حیرت آور است که بسیاری به ظاهر مطالب این کتاب را بر فکرت کرده و تصور می کنند همه آنها به نوعی حقیقت دارد. جن بر این (Dan Brown) نویسنده کتاب درم داون جی بیرون منصف به پوچی که در آن ده که معتقد مسیح به صاحب کشیده شدیم ایستاد با اینهمه مجله های چاپ کرد شاهانه شده و روابط تنوع خود را مسکن فریاد مسیحی را آغاز کرد. دست به بسیاری فقط برای خاطر نشان تاویلی مونا با به موزه آوری هر روشندان هم تنها به این دلیل که آن تالار در کتب کتابت چون تو آن فرکر جلوت.

پیشتر مشهور از آن رو به پیشتر، یک بار مورد پرسش قرار گرفت که آیا به خدا اعتقادی هم دارد او به پاسخ چنین گفت: «خیر، من به خدا اعتقاد ندارم به بلکه به چیزی از آن بزرگتر معتقد هستم» فر هنگ ما هم از این پیش بیرو می میلهای در روح ایستادین های موجود به اندازه کافی بزرگ هستند ما از خدا پندار آنچه به تسبیح های طبیی در بار مسیحی می تواند فراهم آورد چیزی پیشتر می طلبیم به این ترتیب است که ما به پوچی علوم خسته می گردیم با علم می که هرگز هیچ اسرار را نمی آید برای ما فانی می سازند و هر قا و عدیمی مانند که زگی میایی وجود دارد که همه چیز را توضیح دهم در چه می کند زیت بزرگ آن این است که به هر دردی نیاز می دهد که آن هنر فیه خلق و پادشاهی و آید بهای ترس های خود پر کند.

من به عنوان فرزند نه خبیه و روشنگری و معتقد به فریاد های آن در یک حقیقت و تحقیق و جستجوی بارانها از وجود چنین گرایی در جامعه ما لوم علم آن فقط از لفظ میان علوم خفه و فاش میسر تو رسم نیست هر چند که ایست چنانی از طبیی وجود داشت و بسیار هم محکم بود هر بار و به جاری از زمین پلان همان از سر میسر دلان کرده کله ترین تحولات علوم خفه بر دست از همین لفظ و چو می در مورد بعضی چرخش فاشیسم بر اینها است می آید جویس او (Julius Evola) فقط یک نویسنده آن است که کلیکی که هنوز همین تولات ستان کشور می شنفته

منبع
God isn't big enough for some people by Umberto Eco, art.telegraph.co.uk.

ای نوشت
آه با تمام باواسکی مشهور و از پیش تکسیم که شخصیت های برجسته ای در علم فزونی و سبک چون کلبه استکی، پول کله و پیشتر این از جمله منصف برین ابرو دران منکب علوم غیبی او و کتبی کرد که موجود می آید برده اند.

